



[کارزار پشتیبانی از کارگران ایران](#)



مصاحبه با امیر جواهری لنگرودی فعال مدافع کارگران و عضو
«کانون همبستگی با کارگران ایران – گوتنبرگ / سوئد»

[اگوست 13, 2020](#)

۱- نقش طبقه کارگر در تحولات اجتماعی چیست؟

امیر جواهری : یکی از مهمترین پرسش‌هایی که در برابر چپ‌ها و جنبش آزادیخواهی ما قرار دارد، مساله پاسخ‌یابی به مفهوم طبقات اجتماعی و کنکاش درباره نقش طبقه کارگر در تحولات اجتماعی است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که سرمایه بنا به سرشت درونی‌اش، نیازمند تحول در وسایل تولید و رشد بارآوری کار است. در هر دوره‌ای از حرکت سرمایه، تحولات تکنولوژیکی و پیشرفت‌های دانش به گونه‌ای پیچیده و آشکار در خدمت سرمایه قرار گرفته و در متن سازمان اجتماعی کار، بشکل ساختاری بوروکراتیک و هیرارشی، تجاوزگر عمل می‌کند و روابط طبقه کارگر را زیر سیطره خود قرار می‌دهد. در مقابل این نیروی متجاوز، کارگران اند که برای همسان‌سازی و بهروزی جامعه و طبقه خویش و زدودن رنج‌ها و آلام جامعه، بعنوان فاعل تاریخ عمل می‌کنند.

آنچه که در دهه اخیر بیش از گذشته توسط کارگران ایران در آفرینش تحولات اجتماعی بیش از گذشته تجلی یافت و در کل صحنه مبارزه جنبش کارگری با نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی خود را نشان داد. در برابر نامه نویسی و طومار و شکایت به اداره کار و مدیریت، مبارزه خیابانی و فراقانونی موجود نسبت به مبارزه قانونی و گستردگی خود را نشان داده است. مبارزه اعتصابی و راه پیمایی، اشکال دیگر رودررویی اعتراضی کارگران را تحت الشعاع قرار داده است. بعبارتی مبارزه فراکارخانه‌ای و خیابانی نسبت به مبارزه در سطح واحد‌های تولیدی به نحو چشم‌گیری افزایش یافته. این مختصات مبارزه کارگران طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که اقدامات کارگری در محل کار تا حدی ناکارآمد شده و برای این که مشکلات در سطح قابل مشهودی در برابر چشمان همگان و یا به گوش همگان برسد. جنبش کارگری به حرکات شبه سیاسی و بیرون از کارخانه روی آورده است. در واقع این شکل حرکت آفریده شده کارگران، برآیندی است از حالت درونی و تدافعی جنبش مطالباتی و حالت برانگیختگی جنبشی وسیع در

برابر استبداد حاکم که در آفرینشگری تحولات اجتماعی نقش مثبتی از خود بجای می گذارد . امروزه صد ها نمونه آنرا در جنبش روزآمد کارگران ایران در جای جای کشور می توان نشان گرفت که "بولتن کارزار " شما به نمونه های تیبیک آن مرتبا اشاره می دارد.

جا دارد که کارگران برای با سازمانیابی سراسری قدرتمند تری ، ابزار لازم را برای طرح کلیت مشکلات و معضلات خویش ، با ایجاد تشکلات مستقل، شرایط تحقق مطالبات خود را فراهم سازند. اهرم اصلی این امر خود سازمان یابی و حفظ استقلال عمل و ایجاد پیوند عمیق در تحرکات صنایع هم‌رشته و برون رفت از پراکندگی است و این آن حلقه مفقوده ای است که جنبش کارگری ما در سطح تحولات اجتماعی از آن رنج می برد که باید بتواند بر آن فائق آید .

ضرورت مبارزه و آفریده شدن نقش کارگران بعنوان فاعل اجتماعی در هم تنیدگی وضع اقتصادی و سیاسی و جدایی ناپذیری این دو از هم در شرایط اجتماعی ایران است. تردیدی نیست که وضعیت موجود برای پیشروی کارگران شکننده خواهد بود و سازمانیابی طبقاتی خود کارگران می تواند شرایط مساعدتری برای پیشروی آنان فراهم سازد.

سازمان یابی کارگران قبل از هر چیز مرهون برانگیختگی احساس همبستگی کارگران است . بالطبع جنبش کارگری باید تلاش ورزد علاوه بر ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی خویش، ابزار های جدید مبارزه را بنا نهد و ضرورت سازمانیابی و سازماندهی جنبش های جدید کارگری را در امر همپوشانی به هم ایجاد نماید . مثلا در مقابل موج وسیع اخراج ها و بیکار سازی که به نام "تعدیل نیرو" صورت می گیرد. کارگران باید بتوانند جنبش قدرتمند " مبارزه با بیکار سازی ها " را سازمان دهند . بدون تردید بر آمد چنین کاری در نقش آفرینی تحولات اجتماعی و برون کشاندن طبقه در خود ، تاثیر فراوانی خواهد داشت . که سازماندهی چنین جنبشی نیاز به واریسی جداگانه ای دارد ...

یادمان نرود؛ طبقه کارگر می تواند قاطع ترین نیروی دمکراسی باشد، زیرا کارگران طبقه اصلی زیر ستم جامعه سرمایه داری و بهره کشی اند و قاعدتا میل به دگرگونی نظم موجود دارند. اگر جنبش دمکراسی در خدمت وضعیت موجود باشد و یا حتی به بد بختی های ناشی از آن بی تفاوت بمانند یا حتی با آن در بیافتند ، هر اندازه شرایط مصیبت زده تر باشد و هر حد جنبش دمکراسی حساسیت کمتری به این وضعیت نشان دهد، امکان درگیری توده ناچیزان و محرمان با این جنبش بیشتر خواهد بود. بریستر چنین نگاهی در کشور ما مبارزه برای تحقق برابری و دمکراسی از طریق مبارزه برای حق دست یابی به نان و حق حیات و حق شهروندی اکثریت محروم و زحمتکش جامعه یعنی موقعیت کارگران جامعه پا می گیرد و به پیروزی می رسد و این خود در مسیر تحولات اجتماعی، گامی اساسی از خود به جای خواهد گذاشت !

۲- برای تبدیل اعتراضات و اعتصام‌های کارگری به مولفه اصلی تحولات اجتماعی در جهت دستیابی به عدالت و برابری، فعالین کارگری چه مسائلی را باید در دستور کار خود داشته باشند؟

امیر جواهری : من برآنم؛ برای تحقق عملی و کارآیی بخشیدن به این پرسش، نسخه از پیش آماده ای را نمی توان نگاشت. تحولات اجتماعی و تغییرات اجتماعی بغایت سیال و متنوع اند. در اساس هر نوع تحولی یعنی برگشتن از حالی به حال دیگر یا دگرگون شدن اوضاع جامعه، مستلزم نشان کردن یا نشانه گیری به آن نقطه تحول پذیر اجتماعی حاصل می آید که در برابر ما خود را عیان می سازد. تعریف طبقه در پرتو تحولات اجتماعی آنچنان دستخوش تغییر شده که خیلی از نیروهای اجتماعی که با گذشته خود تعریف می گردند، هنوز که هنوز است نتوانسته اند این تعریف را برتابند بلکه همچنان در آن گذشته ناخود آگاه خویش سیرمی کنند و تعریف طبقه کارگردرکالبد کارگر صنعتی (پرولتاریا) می بینند درکی که طبقه کارگر را فقط به کارگران یدی (عمدتاً) بخش صنعت می بینند، بواقع بخش اعظم طبقه کارگر جامعه امروزی را نادیده می گیرند. هم اینان خواه نا خواه ناگزیر می شوند، نقش طبقه کارگر را به عنوان عامل تاریخی پیکار برای سوسیالیسم کنار بگذارند. زیرا در سرمایه داری امروزی کارگران یدی بخش صنعت اقلیتی بیش نیستند و بنابراین نمی توانند ستون فقرات اکثریت عظیم جامعه ما باشند...

باید درک ایدئولوژیک و رمانتیک از طبقه کارگر را کنار گذاشت. طبقه کارگر صخره یک پارچه ای نیست؛ کارگران به لایه های اجتماعی گوناگون تقسیم می شوند؛ تعلقات مذهبی، قومی و فرهنگی گوناگونی دارند؛ از زن و مرد، پیر و جوان، شاغل و بیکار و... تشکیل می شوند؛ به وسیله سرمایه به رقابت با هم دیگر کشیده می شوند؛ به لحاظ ثبات شغلی و امنیت اجتماعی در وضعیت های بسیار متفاوتی قرار دارند.

در این میان به گمان من؛ تحولات اجتماعی مجموعه فرایندهایی است که در یک زمان کوتاه نمی توان آن را در بطن جامعه ملاحظه کرد. تحولات اجتماعی را می توانیم به مثابه منظره واحدی بدانیم متشکل از توده ای از جزئیات که جز از ارتفاع زیاد قابل رویت نیست این چنین نگاهی در برابر تغییر اجتماعی قابل توجه است. تغییر اجتماعی بر عکس عبارت است از پدیده های قابل رویت و قابل بررسی در مدت زمانی کوتاه به صورتی که هر شخص معمولی نیز در طول زندگی خود یا در طول دوره کوتاهی از زندگی می تواند یکایک این عناصر تغییر یافته را شخصاً تعقیب نماید، نتیجه قطعی اش را ببیند و یا نتیجه موقتی آن را دریابد. علاوه بر این تغییر اجتماعی در محدوده یک محیط جغرافیائی و اجتماعی معینی صورت می پذیرد و در این مورد تفاوتش با تحول اجتماعی در این است که آن را می توان در چهار چوب یک محدوده جغرافیائی و یا در کادر اجتماعی - فرهنگی خیلی محدودتری مورد مطالعه قرار داد. باید توجه داشته باشیم، مفهوم تغییر اجتماعی با مفهوم دگرگونی اجتماعی متفاوت است. زیرا تحول یا دگرگونی اجتماعی در طول یک دوره

طولانی، طی یک یا شاید چند نسل در یک جامعه رخ می‌دهد و بررسی یک تحول اجتماعی، نیازمند نوعی بررسی تاریخی جامعه است. تنها از همین رو است که در بالا آوردم؛ طبقه کارگردر اساس، به سان یک صخره یکپارچه تعریف نمی‌گردد. لذا باید درک محدود از مبارزات اقتصادی کارگران کنار گذاشته شود. چرا که کارگران فقط برای افزایش حقوق خود مبارزه نمی‌کنند، بلکه برای مسکن، بهداشت، آموزش، بیمه بیکاری و سهم شدن در سود کارخانه و غیره نیز مبارزه می‌کنند. و مبارزه مؤثر برای بعضی از این خواست‌ها نمی‌تواند در محل کار محدود بماند یا اصلاً در محل کار شدنی باشد. بنابراین کارگران به شکل‌ها و ارتباطاتی نیاز دارند که مبارزه برای این خواست‌ها را به هم پیوند بدهند و همبستگی آنها را از محیط کار فراتر ببرند.

اعتصابات و اعتراضات کارگران را در برآمد چنین تعریفی می‌توان مورد مذاقعه نظر قرار داد و در راستای دست‌یابی به عدالت و برابری و دموکراسی، برایش مختصات معین خود را بر شمرد. بدون کمترین تردید مبارزه چند دهه‌ای کارگران ما بیش از هر چیزی برای دست‌یابی نان است. در جامعه ما بدلیل اختناق آفرید شده استبداد دینی و ایدئولوژی مذهبی چهار دهه اخیر، برای وصول به هر سطح مطالبه نان توسط اردوی زحمتکشان، از دل راهیابی به آزادی و عدالت حاصل می‌آید. با این مقدمه در پاسخ سئوال مسئولانه شما که فعالان کارگری چه مسائلی را باید در دستور کار خود داشته باشند. بدون تعارف بگویم: آنهایی که به قداست طبقه اجتماعی خود می‌نگرند. آنهایی که صدا دارند و مدعی مبارزه با «فرقه منحط» و «فرقه گرایی و انحصار طلبی» حاکم هستند، خودنباید به شیوه منحط فرقه‌ای و با هدف مصادره جویی به مبارزات صنفی و سندیکایی و جنبش مطالباتی اردوی پُرشمار میلیونی و مزدبگیران کشور نگاه کنند. شعارها، خواست و مطالبه کارگران را به نام خود نویسند و خویشتن خویش را برای مصادره کردن همه تحولات جنبش کارگری لباس «لخ والسا»ی ایرانی درهیکل خود کنند و شعار نان - کار - آزادی و اداره شورایی، مصادره به مطلوب نمایند. همه فعالان بدون کمترین تردید باید صدای بی صدایان باشند. آنگاه که رادیو و تلویزیون، روزنامه و سایت و وبلاگ مستقل در شبکه‌های مجازی و هر تریبونی از طبقه ما گرفته شده و همه و همه در خدمت از ما بتهرتن و تشکل‌های زرد و امنیتی خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار است. ما باید و باید صدای آنانی باشیم که خود در برابر هر اعتراضی شناسایی و صاحب پرونده و بازداشت و زندانی می‌گردند. کارگران ما در صحنه پیکار نابرابر موجود در کف جامعه، تا به امروز درس‌های گران‌بهایی از مبارزات خود فرا گرفته‌اند. آنان ناگزیرند پا به پای اعتراض‌شان، مفصل‌بندی مطالبات‌شان، تنظیم روابط و رویکردی خود با دیگر قشرها و لایه‌های دیگرکارگری، صدای مستقل خود را در هم صدایی با بی صدایان هر چه وسیع‌تر رسانه همسو خود می‌سازند. فعالان مدافع طبقه اجتماعی ما در درون و برون کشور، باید به شبکه رسانه‌ای همه کنشگران اجتماعی بدل گردیم. تا صدای آنها بدون فیلترهای طبقات بالا و کوتاه‌نگری‌ها، حسابرسی‌ها و محدودیت‌های خاص طبقاتی آنان هر چه وسیع‌تر منتشر شود و گرنه «طبقات بالا» در اپوزیسیون و «طبقه سیاسی» در حاکمیت، طبقه ما را گروگان خواهند گرفت و اگر نتوانند از تار و پود خشم برحق طبقاتی کارگران

و زحمتکشان و جنبش مطالباتی ما بساط قدرت و خودکامگی خویش را بیابند، همچنان ما را درو خواهند نمود تا خود را بر جامعه و تحولات وارونه اجتماعی پهلو زنند!

وظیفه یکایک ما فعالان مدافع حقوق کارگران است ؛ که درپهنه جهانی سنگر به سنگر جلو برویم و صدای کارگران ایران را به درون احزاب و سازمان ها و اتحادیه های کارگری و مجامع جهانی و بشریت مترقی و آزادیخواه جامعه میزبان برسانیم . درهمایش های خیابانی جای جای جهان ،صدای خروش خون فشان و شکم های گرسنه هفت تپه ای ها و دیگرکارگران وزحمتکشان ایران باشیم و آن اعتراضات را شاولون هیاهوی تبلیغاتی برای حزب و گروه و سازمان خود نسازیم . باید در پهنه رویارویی با حاکمیت فاسد و همه کارگزاران نظام در امر مصاف نابرابر با کارگران و زحمتکشان ایران هر کدام مان صدای آنان در پهنه جهان باشیم و جامعه جهانی را نسبت به سلطه طلبی امپریالیسم جهانی و سیاست های دو پهلوئی آنها با حاکمیت سیاسی ایران برملا کنیم و یاد آورگردیم: جامعه ما در طول چند دهه گذشته با امروز از دخالت گری و کودتای مشترک دربار و سلطه امپریالیستی انگلیس و آمریکا و روحانیت کلید خورد و بعد از انقلاب جنگ هشت ساله عراق و ایران جامعه ما را با دشواری های بیمانندی روبرو ساخت. باید یاد آورگردیم: امروز بیش ازهرموقعی جامعه ما نیازمند این می باشد که روی دو پای خود بایستد و بدوم مداخله گری سلطه خارجی به پیکار بی امانش با چرخه سرمایه داری حاکم در ایران بستیزد و داد خود ستاند!

باید همه ما فعالان مدافع درد و رنج کارگران و زحمتکشان ،این مجموعه را وظیفه روزمره خود بشناسیم وبر سر تحقق آن با یکدیگر به شورومشورت برآییم و به سازماندهی متحدانه تحرکات پردازیم . باشد که از فرقه گرایی و انحصارطلبی به شدت پرهیز کنیم!

۳- آینده حرکات جمعی کنونی طبقه کارگر را چگونه می بینید؟

امیر جواهری : امروز مبارزه کارگران وجمع جنبش های اجتماعی درترکیب نیروهای مطالبه گری بر داده های مهمی همچون درجه سازمان یافتگی، میزان نیروی بسیج شده یا واجد ظرفیت بسیج، و نوع مطالبه و اهمیت آن در میان مجموعه همگرایی ها و پیوند آنها در مبارزه جاری تعریف می گردد.

امروز و در شرایط کرونایی باتوجه به درس آموزی خیزش مردمی بزرگ آبان ۱۳۹۸ در ادامه خیزش دی ماه سال ۱۳۹۶ بحران سراسری سیاسی درتمامیت جامعه ما را وارد یک دوره موقعیت انقلابی کرده است. هم اکنون علیرغم اینکه جامعه با ویروس کرونا در بخش وسیع استان های کشور روبرو است . ما با موج وسیع اعتراضات روبروهستیم . مردم ایران دیگر حاضر نیستند مانند سابق به حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و سیاست های تاکنونی آن تن بسپارند و رژیم حاکم نیز قادر نیست به شیوه سابق سکان اداره کشور را در دست داشته باشد.

باید بدون تعارف گفت؛ شرایط به گونه ای است که دوحرکت دی ماه ۹۶ و اعراضات توده ای ۹۸ شرایط مساعدی برای پیوند دو عرصه بزرگ پیکار برای وصول نان و دست یابی آزادی را درپهنه جامعه ما فراهم آورده است. چنانچه پیوند این دو عرصه مبارزاتی (نان - آزادی)، گسترده تر و پردوام تر گردد. این شرایط بحران زا، می تواند واجد ظرفیت های امیدبخشی برای شکل خاصی از فروپاشی نظام جمهوری اسلامی و جایگزینی یک نظام مبتنی بر عدالت اجتماعی و جهت گیری سوسیالیستی تعریف گردد. ولی آشکار است که شکل های مختلف نابودی این نظام جهنمی ظرفیت های یکسانی برای برآمد آلترناتیو مطلوب اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان کشور ما پدید نمی آورد. برای این که جمهوری اسلامی از طریق وسیع ترین مطالبات درهم تنیده حوزه نان و آزادی سرنگون شود؛ لازم است که بخش های مطالبه گر دو عرصه بزرگ پیکار برای نان و آزادی حتی المقدور بتوانند خود را هنوز هر چه بیشتر به شکل مستقل سازمان دهند، پرچم مستقل خود را برپا دارند، شکل های پایداری از همسویی و همگرایی با نیروهای ذینفع و هم سرنوشت ساز جامعه خود را در تمامیت پیچ و خم های ارکان کشور سازمان دهند.

موجودیت طبقه کارگردر طرح گسترده مطالبات بی پاسخ مانده شان، آنان را بر آن داشت که متعاقب نزدیک به دو ماه در خیابان ماندن نیشکر هفت تپه شوش حول مطالبات مرکب خود که برجسته ترین وجه آن ستیز با سیاست خصوصی سازی موجود و موضوع دریافت حقوق های عقب مانده و دیگر خواسته ها است. حرکت جسورانه هفت تپه ای ها در این دوران سخت کرونایی و گرمای بالای پنجاه درجه، پرمضمون ترین مقاومت و ایستادگی دوره اخیر را بعنوان طولانی ترین اعتصاب در پهنه رودرویی با سرمایه داری حاکم خود را نشان داده است. در این میان کارگران بخش های دیگر خاصه در سطح واحد های نفتگران نقاط مختلف- پتروشیمی ها - صنعت گاز- هپکو - واحد های حمل و نقل شهری و کارگران شهرداری ها و غیره ... مثلاً طی چند روز اخیر صدای دیگر همزنجیران کارگران هفت تپه ای در هپکو - کارگران پارس جنوبی - پالایشگاه قشم - پالایشگاه آبادان- پالایشگاه جفیر- پالایشگاه کنگان- پالایشگاه پارس جنوبی فاز ۱۴، ۲۲ و ۲۴- پالایشگاه پارسیان- پتروشیمی لامرد- اتوبوسرانی خط واحد ارومیه- پالایشگاه ماهشهر- پالایشگاه اصفهان- نیروگاه برق پارس جنوبی بیدخون- شرکت آسفالت طوس دشت آزادگان- سایت پتروشیمی عسلویه- پالایشگاه آبادان - پالایشگاه پارسیان- نیروگاه برق مشهد- نیروگاه برق تبریز شنیده شد و هفت تپه ای ها دریافته اند که در این مبارزه تنها نیستند. این موج اعتراضات یاد شده حول یک سلسله خواسته های بیواسطه درهم تنیده، به پیش صحنه آمدند. مطالباتی چون تامین امنیت شغلی، پرداخت حقوق های معوقه، حداقل دستمزد متناسب با سبب واقعی معیشت، لغو خصوصی سازی، حذف پیمانکاری ها و برون سپاری ها در آموزش، بهداشت، تولید صنعتی، خدمات و تامین اجتماعی، بخش های زیادی از مزد، حقوق و مستمری بگیران را درگیر کرده و به اعتراض کشانده است اما این مطالبات هنوز کاملاً سراسری نشده است و از انسجام لازم محروم مانده است. وظیفه یکایک ما است که به این مجموعه مطالبات و عوامل موجود توجه داشته باشیم.

توجه به این مجموعه مهم ما را در برابر طبقه کارگر وظیفه مند می نماید. آنچه که مهم می نماید، برانگیختن افکار عمومی جامعه میزبان در سطح خارج کشور، باید نقشه راه مان باشد. باید بتوانیم شکل اقدام راهجویی به اتحادیه ها و مجامع کارگری و احزاب و سازمان های سوسیالیستی را به شکل پرمعنایی به پیش ببریم ، تقویت این امر به تحکیم انترناسیونالیستی روابط می انجامد. عبارتی جلب حمایت بین المللی از مبارزات کارگران داخل در این شرایط از وظایف تخطی ناپذیر یکایک ما است. در پایان برآرم این مجموعه فضای موجود ما را در برابر طبقه کارگر و نقشه مندی آن متعهد می نماید.

برگرفته از: ماهنامه کارزار شماره 4